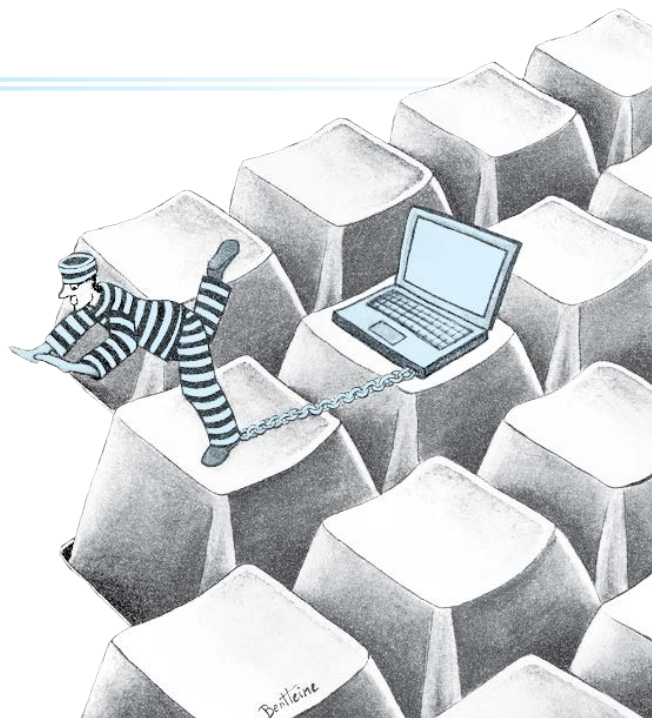


توماس ای مک کی
مترجم: شاهین احمدی



آی گرگ آی گرگ

در استانداردهای جاری حسابرسی کشف تقلب

منفی درست برابر فراوانی منفی بودن نتیجه‌ی آزمایش بیمارانی است که بیمار هستند. نرخ‌های ناشی از آزمایش تشخیصی می‌تواند یک پزشک را مجاب کند درمان را آغاز کند، و ممکن است پزشک دیگری را مجاب کند آزمایش‌های بیشتری را تجویز کند.

بر مبنای پژوهش‌های جاری حسابرسی، بررسی ارزش تشخیصی علامت‌های خطر تقلب نشان می‌دهد علامت‌های خطر در ارزیابی ریسک کلی تقلب مالی، بسیار محدود هستند. شاید استانداردگذاران حسابرسی بخواهند درباره‌ی رویکرد مورد استفاده در استانداردهای فعلی تقلب بازاندیشی کنند. در این صورت، دیگر حسابرسان نباید آی گرگ آی گرگ بی‌دلیل یا غیرضروری سر دهند^۲.

سوگیری در رویکرد جاری علامت خطر
استانداردهای جاری حسابرسی بیش از ۴۰ نماگر احتمالی ریسک تقلب مالی را بر

مفهوم اساسی این است که وجود ریسک‌های تقلب خاص باید به رویه‌های حسابرسی قوی‌تری منتهی شود. به عبارت دیگر، یک ارزش تشخیصی برای ریسک تقلب شناخته شده وجود دارد، چون به شناسایی تفاوت بین ریسک کلی تقلب از اعتقاد پیش‌فرض درباره‌ی آن کمک می‌کند. رویکرد حسابرسی بررسی علامت‌های خطر برای تعیین ریسک تقلب شناخته شده‌ی کار حسابرسی مشابه رویه‌ی پزشکی است که از آزمون‌های تشخیصی برای آزمون وجود یا عدم وجود بیماری استفاده می‌کنند. اگر نتیجه‌ی آزمون مثبت باشد، ممکن است پزشک تصمیم بگیرد بیمار را برای درمان بیماری مداوا کند. واژه‌ی کلیدی در این جا واژه‌ی "ممکن" است. در فرایند تصمیم‌گیری، یک پزشک آگاه نرخ مثبت درست و نرخ منفی درست آزمون تشخیصی را در نظر می‌گیرد: نرخ مثبت درست برابر فراوانی مثبت بودن نتیجه‌ی آزمایش بیمارانی است که بیمار هستند. نرخ

مدیران عامل شش مؤسسه‌ی حسابرسی بین‌المللی احساس می‌کنند اقدامات فعلی حسابرسان برای کشف تقلب کافی نیست. آنها می‌گویند فاصله‌ی انتظارات در مورد تقلب بااهمیت، از یک طرف، و توانایی حسابرسان برای کشف آن با هزینه‌ای معقول، از طرف دیگر، وجود دارد. آنان بر این باورند که "باید ایده‌های بیشتری را برای بهبود فرایند کشف تقلب در نظر گرفت."

رویکرد جاری حسابرسی تقلب مبتنی بر این باور است که ریسک‌های تقلب شناخته شده‌ی خاص - علامت‌های خطر^۱ - به برآورد ریسک کلی تقلب کمک می‌کنند. استاندارد حسابرسی تقلب آمریکا (SAS شماره‌ی ۱۱۳) و استانداردهای حسابرسی بین‌المللی تقلب (ISA شماره‌ی ۲۴۰) هیأت استانداردهای اطمینان‌بخشی و حسابرسی بین‌المللی، بر تعیین علامت‌های خطر توسط حسابرسان تمرکز دارند.

زیر از یافته‌های آلن حمایت کرده است: تیم‌های رسیدگی هیات نظارت بر شرکت‌های عام، شاهد حسابرسی بوده‌اند که واکنش مناسب به عوامل شناخته شده‌ی ریسک نشان ندادند.

تصمیم‌گیری درباره‌ی یک رویکرد حسابرسی بیانگر موازنه‌ی سنتی بین کارایی و اثربخشی است. استانداردگذاران حسابرسی باید به شکل مناسبی بین هزینه‌ای که تقلب‌های مالی نادیده گرفته شده گاه و بی‌گاه به اجتماع و حرفه تحمیل می‌کنند، از یک طرف، و هزینه‌ی اجرای روش‌های حسابرسی بیشتر برای اطمینان از نبود تقلب در هزاران کار حسابرسی از طرف دیگر، توازن برقرار کنند. به همین قیاس، حسابرسان نیز باید تصمیم مشابهی در هر یک از حسابرسی‌ها اتخاذ کنند.

ریسک کلی تقلب مالی

نرخ تقلب مالی تجربی سالانه‌ی واقعی شرکت‌های سهامی عام در مورد تقلب‌های مالی با اهمیت کشف شده حدود ۰/۰۲۸ است. این در حالی است که نرخ تقلب واقعی می‌تواند به علت تقلب‌های مالی کشف نشده بیشتر باشد.

این نرخ در تحقیق کارگروه سازمان‌های حامی مالی کمیسیون تردوی تایید شده است. بر اساس این تحقیق، طی دوره‌ی ۱۱ ساله از ژانویه‌ی ۱۹۸۷ تا دسامبر ۱۹۹۷ تقریباً ۳۰۰ تقلب صورت‌های مالی مشاهده شد. این نتایج به معنای نرخ تقلب سالانه‌ی ۰/۰۰۳ برای شرکت‌های عام است.

کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا در مطالعه‌ای که بعد از تحقیق پیش‌گفته اجرا کرد ۲۲۷ مورد از احکام اجرائیات قانونی برای دوره‌ی بین اواسط ۱۹۹۷ تا اواسط ۲۰۰۲ را مشاهده کرد. براساس این تحقیق تقریباً نرخ احکام اجرائیات قانونی برای شرکت‌های سهامی عام ۰/۰۰۵ است. رقم گزارش شده توسط کمیسیون بورس اوراق بهادار اندکی بزرگ‌تر است، چون علاوه بر تقلب، شامل موارد “دستکاری نادرست” و “مدیریت سود نادرست” است که سطح تقلب را افزایش نمی‌دهند.

با وجود محیط تحت نظارت پس از قانون ساربینز اوکسلی، انتظار وجود نرخ تقلب مالی جاری کم‌تر از نرخ ۰/۰۰۵ تحقیق کمیسیون بورس اوراق بهادار و نزدیک به نرخ ۰/۰۰۳ دو مطالعه‌ی قبلی منطقی است.

ارزش تشخیصی علامت‌های خطر

استانداردهای حسابرسی بین ریسک شناخته شده‌ی تقلب و ریسک کلی تقلب ارتباط روشنی برقرار نمی‌کنند. این نتیجه‌گیری مورد حمایت گزارش رهنمود ۸ سپتامبر ۲۰۰۴ هیات نظارت بر شرکت‌های عام برای گروه مشورتی فعلی نیز قرار گرفت که بیان می‌کند:

“SAS شماره‌ی ۹۹ رابطه‌ای بین عوامل ریسک و ارزیابی حسابرس از سطح ریسک برقرار نمی‌کند.”

یک عامل ریسک می‌تواند به سطح بالای ریسک کلی تقلب بینجامد، یا ممکن است چند عامل ریسک وجود داشته باشند اما هم‌چنان ریسک

می‌شمارند، اما تنها ۳ عامل ممکن برای تسکین و کاهش آنها بیان می‌کنند. استانداردهای حسابرسی بین‌المللی علاوه بر ۴۰ عامل ممکن فهرست شده در استانداردهای آمریکا، چند عامل دیگر را به عنوان عامل ریسک تقلب مالی بیان می‌کنند، اما هیچ بحث مستقیمی از عوامل ممکن کاهنده‌ی آنها به میان نمی‌آورند.

عدم توازن در بحث نماگرهای ریسک مثبت در مقایسه با ریسک منفی واضح است. این میزان ناقزینگی نماگرهای ریسک بیانگر سوگیری در تعیین نماگرهای ریسک مثبت است. در صورتی که حسابرسان نتوانند نماگرهای ریسک منفی را در نظر بگیرند این ناقزینگی می‌تواند به بیش‌برآورد ریسک کلی بینجامد.

ویلکس و زیمبلن (۲۰۰۴) تفسیری در این باره ارائه کرده‌اند. به اعتقاد ایشان، به نظر می‌رسد محیط جاری حسابرسی بیشتر نگران غفلت از تقلب شناخته شده است و به بررسی تقلب‌های شناخته نشده که می‌تواند فرایندی پرهزینه باشد، توجه کم‌تری دارد.

حسابرسان در تعیین علامت خطر تقلب بسیار اثربخش هستند. تحقیق صورت گرفته توسط گراهام و بدارد (۲۰۰۳) حاکی است در ۸۳ درصد از حسابرسی‌های بررسی شده، ۱ علامت خطر مشاهده شده است. میانگین علامت خطر به ازای هر مشتری در نمونه‌ی آنها ۳/۵ بوده است. نتایج کار آنها را پژوهش ماک و ترنر (۲۰۰۵) تایید می‌کند. ماک و ترنر گزارش می‌کنند که در نمونه‌ای از ۲۰۲ صاحب‌کار، به طور میانگین ۲ علامت خطر برای صاحب‌کاران دارای ریسک پایین و ۴ علامت خطر برای صاحب‌کاران دارای ریسک بالا وجود دارد.

تحقیق جانستون و بدارد (۲۰۰۱) آشکار کرد حسابرسان در حال حاضر برای مواجهه با علامت خطر چه کار می‌کنند. آنها از آرشيو داده‌های ۳۳۶ قرارداد پیش‌نهادی کار حسابرسی متعلق به یک موسسه‌ی حسابرسی استفاده کردند که در آنها ارزیابی ریسک تقلب از فهرست کنترلی دارای ۲۰ عامل ریسک تقلب مشابه استانداردهای حسابرسی بین‌المللی فعلی، استفاده شده بود. تحقیق آنها نشان داد وجود علامت‌های خطر تقلب، قیمت‌گذاری حسابرسی را تا ۱۹ درصد افزایش می‌دهد، اما بر ساعت‌های برنامه‌ریزی شده‌ی حسابرسی تاثیری ندارد. این نتایج می‌تواند آشکار کند پرسنل ارشد مؤسسات حسابرسی یا حسابرسان دادگاهی (کارشناسان رسمی حسابرسی) صرفاً به این دلیل برای حسابرسی علامت خطر گمارده می‌شوند که انتظار می‌رود در کشف تقلب اثربخش‌تر باشند.

شواهد تحقیق آلن، هرمانسن، کزلوسکی و رمسی (۲۰۰۶) اشاره می‌کند وقتی حسابرسان واقعاً تلاش خود را در واکنش به ریسک تقلب افزایش می‌دهند، تلاش بیشتر حسابرسان به بسط آزمون‌های حسابرسی استاندارد شده می‌انجامد که لزوماً این آزمون‌ها برای کشف ریسک‌های شناخته شده‌ی تقلب طراحی نشده‌اند. به عبارت دیگر، واکنش معمول حسابرسان، اجرای آزمون‌های مشابه‌تر به جای اجرای آزمون‌های متفاوت طراحی شده برای کشف ریسک شناخته شده‌ی تقلب است.

هیأت نظارت بر شرکت‌های عام (۲۰۰۷) نیز با بیان گزارشی به شرح



است.

$P(B/A)$ به احتمال آشکار شدن علامت‌های خطر در صورت

وجود تقلب واقعی اشاره دارد.

مطالعه‌ای بر روی ۷۷ مورد واقعی تقلب توسط لایک، اینینگ و ویلینگام (۱۹۸۹) آشکار کرد در ۸۸ درصد از آنها علامت خطر وجود داشت.

احتمالاتی که پیشتر در این مقاله بحث شدند بهترین برآوردهای موجود از شواهد تجربی هستند. استفاده از آنها در قضیه‌ی بیز احتمال زیر را در پی دارد:

$$P(A/B) = [P(B/A) * P(A)] / P(B)$$

$$P(A/B) = [P(B/A) * P(A)] / \{ [P(B/A) * P(A)] + [P(B/\sim A) * P(\sim A)] \}$$

$$P(A/B) = [0.997 * 0.83] + [0.003 * 0.88] / [0.003 * 0.88]$$

$$P(A/B) = 0.83015 / 0.00264$$

$$P(A/B) = 0.003$$

علامت خطر با ارزش تشخیصی ۰/۰۰۳، به نظر ارزشی است که برای فعالیت حرفه‌ای ریسک بالایی دارد.

حسابرسان باید چه کار کنند؟

استانداردهای حسابرسی و ریسک پیگرد قانونی، مستندسازی نحوه‌ی برقراری ارتباط بین رویه‌های حسابرسی با ریسک تقلب ناشی از علامت‌های شناخته شده‌ی ریسک را ضروری می‌کند. ممکن است رویه‌های عادی حسابرسی، کاهش ریسک تقلب مربوط به بسیاری از علامت‌های خطر را ضروری سازند. در بعضی از وضعیت‌های حسابرسی، ممکن است استفاده از رویه‌های بیشتر حسابرسی ضرورت یابد.

به این دلیل که علامت‌های خطر و رویه‌های هر یک از کارهای حسابرسی تطابق یک به یک ندارند، ممکن است یک رویه‌ی حسابرسی بتواند برای چندین علامت خطر به کار رود. هم‌چنین، این احتمال وجود دارد یک علامت خطر به چند رویه‌ی حسابرسی نیاز داشته باشد. برای اطمینان از این که حسابرسان از این واقعیت‌ها، غافل نمی‌شوند، شاید استانداردهای حسابرسی باید تجزیه و تحلیل ماتریسی ریسک را مانند آنچه در جدول ۱ ارائه شده است الزامی کنند.

استانداردهای حسابرسی می‌توانند این الزام را اضافه کنند که اعضای تیم کار حسابرسی گزاره‌ای را در گزارش خود بیاورند که معتقدند بر مبنای تحلیل ماتریسی، ریسک تقلب عوامل ریسک تقلب شناخته شده به سطح قابل قبولی کاهش یافته است. این گزاره نباید مبتنی بر باور آنها در ارتباط با ریسک کلی تقلب مالی باشد، بلکه باید مبتنی بر این باور باشد که رویه‌های مورد استفاده، ریسک را از سطح شناخته شده‌ی علامت‌های خطر کاهش داده‌اند.

باید متذکر شد تا حدی که بتوان ریسک شناخته شده‌ی تقلب را

کلی پایین باشد.

حسابرسان می‌توانند از رویکرد حرفه‌ی پزشکی استفاده کنند که در ارزیابی حساسیت و خاص بودن آزمون‌های تشخیصی در برآورد احتمال بیماری استفاده می‌شود. آنها می‌توانند به تقلب به عنوان یک بیماری بالقوه بنگرند که امیدوارند بر مبنای رویه‌های ارزیابی ریسک آن را تشخیص دهند تا بتوانند در صورت بروز بیماری برای انتخاب درمان مناسب تصمیم‌گیری کنند. قضیه‌ی بیز را که در حرفه‌ی پزشکی استفاده می‌شود می‌توان به شرح زیر (برای آزمون‌های تقلب مالی در حسابرسی - مترجم) بیان کرد:

$$P(A/B) = [P(B/A) * P(A)] / P(B)$$

که در آن:

$P(A/B)$ بیانگر احتمال وجود تقلب در صورت مثبت بودن آزمون است.

$P(A)$ بیانگر احتمال وجود تقلب در هر یک از شرکت‌ها است.

$P(B)$ بیانگر احتمال مشاهده‌ی نتیجه‌ی مثبت بدون توجه به وجود یا عدم وجود تقلب است.

$P(B/A)$ بیانگر احتمال نتیجه‌ی مثبت آزمون در صورت وجود تقلب

علامت‌های خطر اندک، وادار ساختن حسابرسان برای این که ریسک تقلب مالی را به طور قابل ملاحظه‌ای و به صورت خودکار افزایش دهند به لحاظ مفهومی ضعیف است.

حسابرسان باید فرض کنند ریسک تقلب مالی با اهمیت در تمام حسابرسی‌ها وجود دارد، چون این انتظاری است که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از آنها دارند.

عوامل ریسک تقلب مالی خاص که شناخته شده‌اند، باید باعث شوند حسابرسان این ریسک‌ها را با رویه‌های حسابرسی خاص مرتبط سازند تا ریسک را از عوامل ریسک تقلب مالی خاص به سطح نسبتاً پایینی کاهش دهند، که با مفهوم اطمینان مقعول (نسبی) و نه اطمینان مطلق بازنمایی می‌شود. به دلیل این که بین عوامل ریسک و رویه‌ها تطابق یک به یک وجود ندارد، حسابرسان باید از تحلیل ماتریسی استفاده کنند.

از طریق تغییر در رویه‌ها و سیاست‌های سازمانی تغییر داد، ریسک تقلب‌های آینده را می‌توان کاهش داد.

علامت خطر یا گمراه کردن؟

حرفه‌ی حسابرسی و پرسنل هیات نظارت بر شرکت‌های عام، می‌پذیرند که وجود یک یا چند نماگر ریسک تقلب مالی لزوماً به معنای ریسک تقلب مالی بالا نیست.

بهترین برآوردهای تحقیقات تجربی حاکی هستند در شرایط وجود علامت‌های خطر در کار حسابرسی، نرخ کلی ریسک تقلب مالی در هر کار حسابرسی به اندازه‌ی تقریبی ۰/۰۰۳ با ریسک تقلب محیط (ذاتی) کلی فرق دارد.

با وجود این فرق اندک در ریسک کلی تقلب مالی در صورت وجود

جدول ۱			
ماتریس نمونه‌ی تحلیل ریسک			
علامت‌های خطر	گام‌های عادی در برنامه‌ی حسابرسی	اولین رویه اضافی حسابرسی	دومین رویه‌ی اضافی حسابرسی
علامت خطر ۱	۳۴، ۲۳، ۱۱	به علت کاهش ریسک ناشی از رویه‌های عادی برنامه‌ی حسابرسی، اقدامات بیشتر ضروری تشخیص داده نشد.	
علامت خطر ۲	۱۸	نمونه‌ای از حساب‌های دریافتنی را تایید کنید که در انتهای سال قبل مانده داشتند، اما در سال جاری مانده ندارند.	اقدام اضافی اول برای کاهش ریسک کافی تشخیص داده شد
علامت خطر ۳	هیچ	نظارت نرم‌افزاری را در سیستم مشتریان تعبیه کنید تا درباره‌ی فعالیت‌های بارگیری غیرمعمول، داده جمع‌آوری کند.	در گروه‌های چت در اینترنت و بررسی‌های خریداران برای مشاهده‌ی بحث درباره‌ی رویه‌های بارگیری شرکت جستجو کنید.
علامت خطر ۴	۱۷، ۵	از نرم‌افزارهای حسابرسی عمومی برای تحلیل پرداخت‌ها به چندین عرضه‌کننده با آدرس‌های مشابه یا شماره حساب بانکی مشابه استفاده کنید.	اقدام اضافی اول برای کاهش ریسک کافی تشخیص داده شد.

پی‌نوشت

1- Red flag

۲- آی گرگ آی گرگ (Cry Wolf) که در این جمله و در عنوان مقاله‌ی توماس ای مک کی استفاده شده است، ریشه در افسانه‌ای یونانی نوشته اسوپ دارد. در ایران ترجمه‌ی این افسانه را با عنوان چوپان دروغگو در کتاب‌های درسی سال‌های دور خوانده‌ایم. در اینجا آی گرگ آی گرگ یا چوپان دروغگو اشاره به این دارد که حسابرسان علائم خطر مربوط به ریسک تقلب مالی را اعلام می‌کنند اما آن را کشف نمی‌کنند و بنابراین نمی‌توانند ریسک تقلب را کاهش دهند - مترجم.

منبع:

Thomas E. McKee. The "Cry Wolf" Problem in Current Fraud Auditing Standards, The Cpa Journal, January 2010.

